

تیش



گفت و گو با سارق که ناخواسته
خود را لوداد

اعتراف در خواب

۲

هوش سیاه

شارژیک میلیونی
تلفن همراه!



در صفحه هوش سیاه این هفته با شگرد
مجرمانی آشنا می شویم که به بهانه فروش شارژ
تلفن همراه حساب طعمه را خالی می کنند.

۳

خانواده

طلاق به خاطر
خجالت از پدرشوهر



۶

خاطره

اهدای اعضای محمد مهدی
۱۳ ساله، زندگی بخشید

امانت خدا



طرح: احسان نجفی

تپش جرم های رخ داده در مترو را بررسی می کند

جرایم زیرزمینی

۵۴



مزایده ۹۹/۲۹۸۳/موتور سیکلت
مرکز فروش کوثر

شرح در صفحه ۷



پذیرش آگهی: ۴۹۱۰۵۰۰۰

نوبهار ۹۰

jamejamdaily.ir

80

دهه



شگرد کلاهبرداری مجرمان در پوشش فروشنده

شارژ یک میلیونی تلفن همراه!



اعتماد بیجا به برخی افراد موجب بروز خسارت‌های مالی به آنان می‌شود، دوباره به همشهریان عزیز توصیه می‌کنیم به هیچ عنوان کارت بانکی و رمز آن را در اختیار دیگران قرار ندهند



تقریباً روزی نیست که پلیس فتا یا رسانه‌ها در مورد کلاهبرداری از طریق کارت بانکی و سوء استفاده از رمز آن به مردم هشدار ندهند و روزی هم نیست که یک یا چند خبر در مورد همین کلاهبرداری‌های سایبری منتشر نشود. این بار هم با وجود هشدارهای متعدد پلیس فتا که بارها تاکید کرده خود مشتری کارت بانکی بکشد و رمز دوم یا رمز یک بار مصرفش را وارد کند، اما متأسفانه باز هم مردم در تله کلاهبرداران می‌افتند و آنچه می‌شود که نباید بشود.

مشابه همین اتفاق برای غزاله ۱۹ ساله افتاد که می‌خواست برای تلفن همراهش که سیم‌کارتش اعتباری بود، شارژ خریداری کند. غزاله همیشه عادت داشت با استفاده از یکی از اپلیکیشن‌های گوشی‌اش شارژ بخرد، اما این بار بخاطر عجله‌ای که داشت سرراش به اولین سوپرمارکتی که رسید، از او خواست یک شارژ تلفن ۲۰ هزار تومانی برایش بخرد.

پس‌رجوان کارت بانکی غزاله را گرفت تا آن را درون دستگاه کارخوان بکشد. غزاله هم بدون توجه به هشدارهای مکرر پلیس که گفته است هرگز کارت بانکی و رمز خود را در اختیار فروشنده قرار ندهید، کارت خود را به او داد. فروشنده هم طبق معمول رقم ۲۰ هزار تومان را برای او وارد کرد و بعد، از دختر جوان رمزش را خواست. غزاله هم با صدای بلند رمزش را گفت و فروشنده هم بعد از فشار دادن دکمه‌های مختلف کارخوان، شارژ

خریداری شده را به دختر جوان تحویل داد. بعد از خرید شارژ و طبق روال همیشه، پیامکی برای غزاله آمد، اما غزاله به خاطر عجله‌ای که داشت، فقط نام بانکش را از روی پیامک خواند و بعد بدون این‌که به محتوای آن توجه کند، صفحه گوشی‌اش را بست و درون کیفش گذاشت. بعد از انجام کارهای روزانه‌اش، شب که به خانه برگشت، بعد از ساعاتی، گوشی‌اش را برداشت تا برای چند دقیقه گشتی در فضای مجازی بزند.

پس از چند دقیقه، متوجه پیامک حساب بانکی‌اش شد و آن را باز کرد تا مانده حسابش را ببیند، اما با دیدن آن به شدت تعجب کرد. چند بار مانده را خواند، اما آنچه را که می‌دید، باورش نمی‌شد. به جای ۲۰ هزار تومان شارژی که صبح خریداری کرده بود، یک میلیون تومان از حسابش برداشت شده بود.

حقوق ماهانه غزاله در ماه کمتر از یک میلیون تومان بود و او با کلی سختی و صرفه‌جویی در هزینه‌هایش پس‌انداز کرده بود.

آن وقت شب دست غزاله به هیچ جا بند نبود، اما فردا صبح اول وقت همراه پدرش به پلیس فتا مراجعه کرد تا شکایتش را ثبت کند. کارآگاهان پلیس فتا تحقیقات را با پرس و جو از غزاله آغاز کردند و در نهایت به فروشنده جوان در سوپرمارکت رسیدند که از کارت بانکی دختر جوان سوء استفاده کرده بود.

هشدار که جدی گرفته نمی‌شود

سرهنگ یادگار نژاد، رئیس پلیس فتای استان کرمان درباره این پرونده و شاکی پرونده گفت: در پی شکایت یکی از شهروندان کرمانی مبنی بر برداشت اینترنتی غیرمجاز از حساب بانکی‌اش توسط فرد یا افرادی، رسیدگی به این موضوع در دستور کار کارشناسان پلیس فتا قرار گرفت.

با تحقیق از مالباخته و پی‌جویی‌های فنی و پلیسی، عامل برداشت غیرمجاز اینترنتی که به صورت خرید شارژ از حساب بانکی شاکی بود، شناسایی و با هماهنگی با مقام قضایی، متهم دستگیر شد.

در ابتدا متهم منکر هرگونه جرمی شد، ولی با توجه به مستندات موجود کشف شده، به جرم خود که نتیجه سوء استفاده از اعتماد شاکی بود اعتراف کرد.

روند ارتکاب جرم این طور بود که متهم با سوء استفاده از کارت بانکی شاکی و فعال کردن رمز دوم ایستای آن، مبلغ ده میلیون ریال، برداشت اینترنتی غیرمجاز انجام داده و هدف از این کار را کسب منافع مالی اعلام کرد.

سرهنگ یادگار نژاد با بیان این‌که متأسفانه اعتماد بیجا به برخی افراد موجب بروز خسارت‌های مالی به اشخاص اعتماد کننده می‌شود، افزود: دوباره به همشهریان عزیز توصیه می‌کنیم به هیچ عنوان کارت بانکی و رمز آن را در اختیار دیگران قرار ندهند.

در صورت اجبار به دادن کارت به فروشنده نیز، بعد از دریافت کارت و در کوتاه‌ترین زمان ممکن، رمز اول و دوم ایستای خود را تغییر داده و نسبت به فعال سازی رمز یک بار مصرف کارت بانکی خود اقدام کنند.

گفت‌وگو با سارقی که ناخواسته خود را لو داد

اعتراف در خواب

از آن دست متهمان است که مدعی است آنقدر حرفه‌ای کار خلاف انجام می‌دهد که هرگز کسی از آن با خبر نمی‌شود. البته خلاف‌هایش را حرفه‌ای انجام داده و در تمام سرقت‌هایی که مرتکب می‌شد هم از ماسک استفاده می‌کرد و هم سایر پوشش‌ها. اما سارق حرفه‌ای انباری‌های یک ایراد بزرگ داشت و آن هم این بود که در خواب حرف می‌زد.

از فرصت استفاده می‌کردم. تا در کنترل دار بخواهد بسته شود زمانی طول می‌کشد و من با یک حرکت خودم را به داخل پارکینگ می‌انداختم.

اگر در پارکینگ‌ها کنترل نداشت چکار می‌کردی؟

سرقت‌ها را چطور انجام می‌دادی؟

شگرد‌هایم مختلف بود. اگر در پارکینگ‌ها کنترل از راه دور داشت در گوشه‌ای مخفی می‌شدم و زمانی که راننده‌ای سوار بر خودرواش قصد ورود یا خروج از پارکینگ را داشت



رو در رو



زوج های جوان

باید سعی کنند از

دخالت دادن دیگر

افراد در اختلافات و

مشکلاتشان خودداری

کنند و به همین خاطر

توصیه می کنیم نزد

مشاور بروند. زیرا

گاهی اختلافات آنها

باعث درگیری بستگان

زوجین شده و راه را برای

حل مشکل سخت تر

می کند



مشاوره خانواده را جزو برنامه زندگی خود قرار دهید

سارا شقاقی، روان شناس در این رابطه می گوید: بیشتر زوج ها تصور غلطی از مشاوره های خانواده دارند. اگر مشکلات و اختلافات شان سطحی باشد که فکر می کنند می توانند خودشان نسبت به حل مشکل اقدام کنند و نیازی به مشاوره ندارند. اگر مشکل و اختلاف خیلی بزرگ باشد باز هم تصور می کنند که دیگر هیچ راه حل و وجود ندارد و باید خیلی زود از هم جدا شوند.

در صورتی که مشاوره زندگی زناشویی محدود به مشکل خاص نیست. بلکه مشاوره می تواند برای تمام زوج ها با هر سن و هر سبک و هر سطح زندگی مفید باشد. می تواند مسیر زندگی آنها را از آنچه هست هموارتر کند.

استفاده از مشاوره خانواده در زندگی زناشویی لزوماً به این معنا نیست که کنترل زندگی مشترک از دست زوج خارج شده است یا زندگی در بحران قرار گرفته، بلکه گاهی می تواند روابط و زندگی را به روابط و زندگی لذت بخش تر و آرام تر از آنچه هست تبدیل کند.

زوج های جوان باید سعی کنند از دخالت دادن دیگر افراد در اختلافات و مشکلاتشان خودداری کنند و به همین خاطر توصیه می کنیم نزد مشاور بروند. زیرا گاهی اختلافات آنها باعث درگیری بستگان زوجین شده و راه را برای حل مشکل سخت تر می کند.

مانند این پرونده که زوج جوان با وجود علاقه به یکدیگر به خاطر درگیری بستگانشان مجبور به جدایی شدند.



طلاق به خاطر خجالت از پدرشوهر

بود، من باید چکار می کردم. این فکرها مرتب عذابم می دهد. حس می کنم، شوهرم هم جلوی خانواده اش احساس شرمندگی می کند. برادرم زندگی مرا نابود کرد. در این مدت کلی با خودم کلنجار رفتم و در نهایت تصمیم گرفتم درخواست طلاق بدهم و برای همیشه از بنیامین جدا شوم. می دانم که دیگر روی برگشتن به آن خانه و زندگی در کنار بنیامین و خانواده اش را ندارم.

در ادامه شوهر این زن نیز به قاضی گفت: آقای قاضی همسرم درست می گوید. برادرزنم زندگی مان را نابود کرد. هیچ وقت فکرش را نمی کردم به خاطر برادرزنم مجبور شوم از همسرم جدا شوم. اما من هم می دانم دیگر زندگی مان مثل سابق نخواهد شد. البته هنوز هم همسرم را عاشقانه دوست دارم. ولی خانواده ام عذابم می دهند. پدرم دیگر حاضر نیست همسرم را ببیند. از طرفی برادرزنم هم به زندان افتاده و معلوم نیست اگر آزاد شود دوباره دست به چنین کاری بزند یا نه؛ همه این فکرها مرا عذاب می دهد. دیگر طاقت ندارم. می خواهم به رغم میل باطنی ام از همسرم جدا شوم تا شاید این درگیری ها به پایان برسد. زندگی هیچ وقت دیگر مثل سابق نخواهد شد و اگر از هم جدا نشویم، خانواده ام مرتب می خواهند با حرف ها و کنایه هایشان مرا عذاب دهند. وقتی من در عذاب باشم همسرم هم عذاب می کشد. برای همین بهتر است از هم جدا شویم.

در پایان نیز قاضی رسیدگی به این پرونده را به جلسه آینده موکول کرد. او سعی کرد این زوج را از جدایی منصرف کند، ولی وقتی اصرار آنها را دید هر دو را به یک مرکز مشاوره خانواده فرستاد تا شاید اختلاف و مشکلیشان حل شود و بتوانند به زندگی مشترک ادامه دهند.

زن جوان بعد از دعوی شدید برادرش با پدرشوهرش، به دادگاه خانواده تهران رفت و درخواست طلاق داد. این زن که معتقد بود زندگی در کنار شوهرش، بعد از این درگیری خونین دیگر عاقبت خوشی ندارد، تصمیم گرفت خودش به این زندگی مشترک برای همیشه پایان دهد. او وقتی مقابل قاضی دادگاه خانواده قرار گرفت درباره این ماجرا گفت: یک سال و نیم است که با بنیامین ازدواج کرده ام. در این مدت ما مشکل و اختلاف خاصی با هم نداشتیم، تا این که چند روز پیش برادرم که پسر عصبی و تند خوئی است، سربیک مساله ناچیز با پدرشوهرم درگیر شد. برادرم در این درگیری پدرشوهرم را تکتک زد و او را با چاقو مجروح کرد. از دیدن این صحنه به شدت شوکه شدم. بعد از آن، پدرشوهرم را به بیمارستان منتقل کردیم. پدرشوهرم از برادرم شکایت کرد و او زندانی شد. اما دیگر زندگی من هم به هم ریخته بود. دیگر نتوانستم در کنار بنیامین بمانم و به زندگی مشترک مان ادامه دهم. احساس می کنم این موضوع باعث شده من به شدت تحقیر شوم. شوهرم حرفی به من نزده است، اما خانواده اش دیگر حاضر نیستند مرا ببینند. مرتب به شوهرم سرکوفت می زنند. این موضوع برایم غیر قابل تحمل شده است. برای همین وقتی این وضع را دیدم تصمیم گرفتم از شوهرم جدا شوم. می دانم بعد از این مساله دیگر نمی توانم مثل سابق در کنار او باشم. از او و خانواده اش خجالت می کشم. به خصوص از پدرشوهرم که هنوز هم نتوانسته سلامت کاملش را به دست بیاورد و مرتب به بیمارستان می رود. با خودم می گویم اگر پدرشوهرم در این درگیری مرده

سیمافراہانی

تپش

هم که در خواب راحت حرف می زنم هر چه بود و نبود را به او گفته ام. حتی نشانی جاساز وسایل سرقتی را به پدرم می دهم.

با این پدر، چه شد که تصمیم به سرقت گرفتی؟

مدام سرکوفت می خوردم که فلانی کارش خوب است و فلانی خانه خریده و... آنقدر فلانی و بهمانی در سرم خورد که تصمیم گرفتم از راه خلاف به جایی برسم. کسی نبود به پدرم بگویم اگر دیگران دارند، خانواده شان هم حمایت کرده اند. پدر من آدم باخدایی هست ولی وضع مالی خوبی ندارد و همیشه زندگی اش را با حقوق کارگری گذرانده، بنابراین معلوم بود که نمی تواند به من کمک مالی کند.

می کنم مخصوصاً زمانی که خیلی مشغله داشته باشم یا یک اتفاق خوب در زندگی ام بیفتد. آخرین سرقتی که انجام دادم، خیلی نان و آب دار بود و کلی پول گیرم آمد. در خواب با مالخرم سر قیمت وسایل سرقتی صحبت می کردم که پدرم موضوع را می شنود. شب اول به این موضوع اهمیت نمی دهد، اما این ماجرا شب های دیگر هم ادامه پیدا می کند و پدرم با خبر می شود که تک پسرش به بیراهه رفته است. برای همین تصمیم می گیرد برای این که من دور خلاف را خط بکشم و به قول خودش مال حرام به زندگی اش وارد نشود، مرا لو بدهد. پدرم حتی زمانی که من خواب بودم از جزئیات سرقت هایم می پرسد و نشانی آنها را می گیرد. من

در خیابان ها پرسه می زدم و با دیدن سوژه ای مناسب نقشه ام را اجرا می کردم.

چه شد که گرفتار شدی؟

از همین مساله ناراحتم. فکرش را بکنید سارق که آنقدر تمیز سرقت می کند و هیچ ردی از خودش به جا نمی گذارد باید این طور گیر بیفتد. این حق من نبود که بخواهم اینجوری دستگیر شوم. باور تان نمی شود اگر حین سرقت یا تعقیب و گریز گیر می افتادم دلم نمی سوخت، اما اینجوری گیر افتادن و دستگیر شدن خیلی سخت است.

چطوری گیر افتادی؟

از شناسن بد من در خواب حرف می زنم. کارهایی را که در روز انجام می دهم شب در موردشان صحبت

با شاه کلید در را باز می کردم و وارد پارکینگ می شدم و انباری ها را تخلیه می کردم.

با وسایل دزدی چه می کردی؟

چیزی که فراوان است، مالخر! تو جنس داشته باش، مالخر برای خریدش وجود دارد.

فکر می کردی دستگیر شوی؟

نه. چون من خیلی حرفه ای کار می کردم، حواسم بود پوششم طوری باشد که شناخته نشوم.

وسيله نقلیه ای که در سرقت ها استفاده می کردی چه بود؟

با موتورسیکلم تا محدوده ای می آمدم و بعد از آن سوار اتوبوس یا مترو می شدم. خودم را با وسایل نقلیه عمومی به خیابان های بالای شهر می رساندم.



حال با تغییر وضعیت
جهان با توجه به کرونا
جرائم مترو هم تغییر
پیدا کرده و برخی
مجرمان که با خلوتی
مترو کار و کاسبی شان
کساد شده است جای
خود را به مجرمانی
داده اند که خلوتی یا
شلوغی محل جرم
برایشان فرقی نمی کند



آموزش برای سرقت و جیب‌بری در مترو



مسافرائی که روزانه سوار مترو می‌شوند، از هر قشر و گروهی می‌توانند باشند. پزشک یا پرستار، کارگر روزمزد یا بازاری، معلم یا کارمند و مدیر کارخانه. خیلی‌هایمان با دیدن مسافران، شاید متوجه نشویم که یک یا چند نفر از آنها ممکن است با هدف سرقت وارد قطار شده باشند. یکی از این سارقان، دختر ۱۵ ساله‌ای بود که وقتی پس از یک ماه، فوت و فن سرقت و جیب‌بری را از بستگانش یاد گرفت، به عنوان مسافر وارد مترو شد و از زنان سرقت کرد. ماجرا از آن‌جا شروع شد که زنی با مراجعه به مرکز پلیس تهران، از به سرقت رفتن کیفش هنگام خروج از یکی از ایستگاه‌های متروی تهران خبر داد.

پس از تشکیل پرونده‌ای در خصوص این سرقت، تحقیقات آغاز شد تا این که چند زن دیگر همه به مرکز پلیس مراجعه و شکایت‌های مشابهی را مطرح کردند. با اطلاعاتی که ماموران از شاکیان به دست آورده بودند، متوجه شدند همه مالباختگان در دام یک سارق گرفتار شده‌اند. درحالی‌که جستجو برای دستگیری سارق مرموز ادامه داشت، زنی با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ تهران تماس گرفت و از

دستگیری یک دختر ۱۵ ساله سارق خبر داد. بعد از این تماس، ماموران به محل حادثه در ایستگاه امام خمینی تهران اعزام شدند و با تحویل گرفتن دختر سارق، وی را همراه مالباخته به مرکز پلیس انتقال دادند. ماموران ابتدا به تحقیق از مالباخته پرداختند و او در این باره گفت: «آن روز باید به محل کارم می‌رفتم و خیلی عجله داشتم حتماً به قطار برسم. ایستگاه مترو مثل همیشه خیلی شلوغ بود و به زحمت توانستم سوار قطار شوم. پس از سوار شدن، احساس کردم دختری نوجوان سایه به سایه مرا تعقیب می‌کند. به این موضوع توجهی نکردم. وقتی قطار به ایستگاه رسید، هنگام پیاده شدن کمی عقب‌تر رفتم تا مسافران پیاده شوند که ناگهان متوجه وجود دستی روی کیفم شدم. در همین لحظه بود که مچ دست سارق را گرفته و بلند فریاد زدم دزد، دزد! چند لحظه بعد وقتی مسافران کمی از من فاصله گرفتند، فهمیدم مچ دست همان دختری را گرفته‌ام که قصد سرقت از مرا داشت.»

پس از ثبت اظهارات مالباخته، دختر نوجوان سارق هم برای ادامه تحقیقات به پایگاه دوم آگاهی تهران منتقل شد و در بازجویی‌ها اعتراف کرد: «پدرم از من می‌خواست تا با سرقت از مردم، هزینه اعتیادش را تأمین کنم که نمی‌پذیرفتم، تا این که تسلیم خواسته‌اش شدم. بنابراین یک ماه از سوی خاله و دخترخاله‌اش سرقت را آموزش دیدم و چند بار نیز همراه آنها سرقت کردم، تا این که پدرم از من خواست تنهایی سرقت کنم. برای همین، به عنوان مسافر وارد واگن بانوان می‌شدم و با استفاده از شلوغی واگن، اموال مسافران را سرقت می‌کردم، اما با هوشیاری مسافر در نهایت توسط پلیس دستگیر شدم.»

حضور محسوس و نامحسوس پلیس در مترو



به گفته رئیس پلیس متروی پایتخت، پلیس با حضور فعال و اشراف اطلاعاتی در ایستگاه‌های مترو به فرد یا افرادی که نیت پلید دارند، اجازه نمی‌دهد امنیت مردم را به مخاطره بیندازند. تا آنجا که به گفته او، از مهر ۹۸ تاکنون ۱۵۷ سارق و جیب‌بر در مترو دستگیر شده‌اند. در ماجرای سرقت و جیب‌بری دیگری که بهمن ۹۸ رخ داد و سرهنگ عطااللهی نیز آن را تعریف کرد، ماموران پلیس مترو در حال گشت زنی در ایستگاه ۱۵ خرداد به دو مرد تقریباً ۴۰ ساله که در حال ردوبدل کردن گوشی تلفن همراه بودند، مشکوک شدند. یکی از این دو نفر در بین مسافران رفت و همراه مسافران سوار مترو شد و قبل از این که درهای قطار بسته شود، یک دستگاه تلفن همراه را از بین در در حال بسته شدن قطار، تحویل نفر دوم داد و خود فرد با قطار به ایستگاه بعد رفت. در حالی که متهمان برای دومین جیب‌بری آماده می‌شدند، ماموران که آنها را زیر نظر داشتند وارد عمل شده و موفق به دستگیری هر دو متهم شدند و طعمه دزدان را نیز که در صحنه حضور داشت، از مترو پیاده کردند.

در بازرسی از متهمان چهار دستگاه گوشی سرقتی کشف شده و گوشی تلفن همراه یکی از طعمه‌ها که از قطار مترو پیاده شده بود نیز به او تحویل داده شد. در تحقیقات از هر دو متهم مشخص شد آنها در مدت کوتاهی بیش از ۴۰ فقره سرقت انجام داده بودند. رئیس پلیس متروی پایتخت در ادامه گفت: «نتیجه اقدامات سختگیرانه امنیتی، حضور محسوس و نامحسوس پلیس در واگن‌های مترو و تأمین امنیت در بیش از ۲۸۰ کیلومتر خطوط ریلی است. بر همین اساس، طی چند ماه گذشته پنج تیم کلاهبرداری در مترو و در پوشش دستفروشی دستگیر شدند. این افراد طی چند ماه گذشته دست به کلاهبرداری از مردم در پوشش دستفروش زده بودند. شگردشان هم این بود که به صورت برنامه‌ریزی شده و استفاده از تیم‌های دو سه نفره و در پوشش دستفروش، به واگن‌ها رفته و در زمان فروش اشیاء و وسایل خود، پس از گرفتن کارت عابریانک مسافر، دو بار کارت را بر دو دستگاه مختلف که یکی از آنها اسکیم بود می‌کشیدند. بجز موارد سرقت، شش نفر نیز به دلیل اخاذی و زورگیری دستگیر شدند و در عین حال، بیش از ۳۰ کیلوگرم مواد مخدر را هم در مترو کشف و ضبط کردیم.»

با وجود اقدامات امنیتی پلیس، این که چرا سارقان و جیب‌بران، مترو را به عنوان محلی برای سرقت انتخاب می‌کنند، سوالی است که شاید بسیاری از مردم آن را ندانند و به همین دلیل نیز اقدامات مراقبتی را نیز جدی نمی‌گیرند. کارشناسان را گفت وگو با تیش ابعاد دیگری از نیت سارقان مترویی را آشکار می‌کنند.



تپش جرم‌ها

جیب‌بری

مرزهای ارتکاب جرم بی‌حد و مرز است. شرایط مستعد و البته طالب جرم پا به میدان می‌گذارند و ارتکاب انواع و اقسام جرم‌ها به همه تنگ می‌کنند بازار باشد یا مغازه‌ای در دور دست‌ترین ده کوره این که بعضی مجرمان مکان‌های بسیار پرتردی انتخاب می‌کنند، موضوعی بود که سرهنگ سعید عطااللهی، رئیس پلیس خود با خبرنگاران آن را مطرح کرد.

جدا از مشکلات ادامه‌داری که ویروس کرونا برای مردم و جهان ایجاد کرد، اما در حوزه جرم هم آثار مثبتی به همراه داشت. این نکته‌ای است که رئیس پلیس متروی پایتخت روی آن تأکید داشت و گفت: با شیوع کرونا در کشور، ما شاهد کاهش جمعیت در ایستگاه‌های مترو بودیم و به همین دلیل نیز بسیاری از جرائم مانند سرقت و جیب‌بری کاهش پیدا کرد. با این حال، ممکن است باز هم سرقت‌هایی رخ دهد و لوازم مسافران

به سرقت بر مالباختگان توسط بلافاصله به ایستگاه‌ها حضور در مورد سرقت شود.

حال با تغییر وضعیت کرونا، جرائم مترو برخی مجرمان کاسبی‌شان کساد به مجرمانی داده



**تعبیه دوربین‌های
مدار بسته و
اطلاع‌رسانی در مورد
این که دوربین
در این نقطه
وجود دارد
باعث شده تا
میزان وقوع جرم
در این نقاط
کاهش پیدا کند**



مترو؛ آشیانه جیب‌برهای حرفه‌ای

بعضی سارقان عمدتاً در مکان‌هایی اقدام به سرقت

دکتر آرشی
حقیقت‌فرد

می‌کنند که به آن، گُنام‌های جرم گفته می‌شود. گُنام‌های جرم به

جرم‌شناس

مکان‌هایی مثل مترو، خیابان‌های

شلوغ، ورزشگاه‌ها و اتوبوس‌های شلوغ اطلاق می‌شود که با وجود این که فرار کردن مجرم و جیب‌بر در این مکان‌ها سخت است، اما درصد موفقیت سرقت در آن هم بالاست.

در بین این‌ها، اتوبوس و مترو مستعدتر از بقیه نقاط برای انجام سرقت به‌شمار می‌روند. چون افراد پول نقد، اشیای باارزش و کارت‌های بانکی متعدد خود را به ورزشگاه‌ها نمی‌برند، اما افرادی که با مترو رفت‌وآمد می‌کنند، اغلب اشیای ارزشمندشان را نیز همراه خود دارند.

سارقان و جیب‌برهایی که در مترو فعالیت می‌کنند، جزو حرفه‌ای‌ترین مجرمان به‌شمار می‌روند، زیرا هر مجرمی جرأت نمی‌کند در مترو اقدام به سرقت کند. چون اگر گیر نیفتد، با موفقیت کارش را انجام داده و اگر گیر بیفتد، شانس فرار ندارد. به همین دلیل است که اغلب کیف‌زنان حرفه‌ای‌تر در اماکنی مانند مترو کار می‌کنند، اما جیب‌برهای خشن‌تری که کمتر مهارت دارند، در خیابان‌ها و اماکن خلوت دست به سرقت می‌زنند.

اما این که چه مولفه‌هایی باعث می‌شود تا حرفه‌ای‌ترین سارقان، مترو را برای سرقت انتخاب کنند، باید گفت، در جرم‌شناسی مبحثی به نام پیشگیری بر مبنای شرایط محیط وجود دارد که در آن به یک سری از شاخص‌ها که مترو را به مکان مناسبی برای ارتکاب جرم فراهم می‌کند، اشاره شده است. مهمترین مولفه آن، کاهش هوشیاری افراد به دلیل شلوغی و عجله زمانی است که مردم در رسیدن به قطار از خود نشان می‌دهند. در چنین شرایطی، مردم تنها به این فکر می‌کنند که سریع‌تر خود را به قطار آماده حرکت برسانند. علت بعدی نیز، حضور دستفروشان است که باعث حواس پرتی مسافران شده و سارقان نیز با استفاده از این حواس پرتی، طعمه‌های خود را انتخاب می‌کنند.

در خصوص سارقان مترویی، تحقیقی در ایران انجام نشده است، زیرا انجام این کار بستگی زیادی به این دارد که جرم‌شناسان به صورت نامحسوس در این محیط حضور داشته باشند، اما در آمریکا این تحقیق انجام شده و به بعضی راهکارها دست پیدا کرده‌اند تا بتوان آمار سرقت‌ها را در مترو کاهش داد. از جمله راهکارهای مورد استفاده این بود که فضای مترو نباید بیش از حد شلوغ شود، زیرا زمینه را برای سرقت فراهم می‌کند، دوم این که افراد هوشیار بوده و در اماکن عمومی اشیای باارزش خود مانند طلا و جواهرات و مانند این‌ها را در معرض دید دیگران قرار ندهند، مورد سوم قرار دادن دوربین‌های حافظتی در داخل ایستگاه‌های مترو و به خصوص در نقاطی است که درصد وقوع جرم زیاد بوده. تعبیه این دوربین‌ها و اطلاع‌رسانی در مورد این که دوربین در این نقطه وجود دارد، باعث شده تا میزان وقوع جرم در این نقاط کاهش پیدا کند.

بسیاری از این راهکارها هم در متروی ایران، در سال ۸۷ و زمانی که قرار شد پلیس مستقل مترو ایجاد شود، در ایستگاه‌ها اجرا شد، اما علت موفقیت نسبی آن نیز این بود که شلوغی و تراکم مترو در کشور ما به دلیل کم بودن رام‌های قطار قابل کنترل نبود، در صورتی که آمار جمعیت کاهش پیدا کند، آمار این جرم‌ها نیز به مراتب کاهش پیدا خواهد کرد.

در ایران و در تمام ایستگاه‌های مترو، پلیس مترو مستقر است و به شکایت‌های شهروندان در موضوعات مختلف از جمله سرقت رسیدگی می‌کند، اما در آمریکا، وضعیت به گونه دیگری است و تنها در ایستگاه‌هایی پلیس وجود دارد که پرتراکم، شلوغ و مرکزی باشد. این یکی از راهکارهایی بود که اجرای آن باعث شد از میزان نزاع و درگیری در متروی تهران کاسته شود.



لای رخ داده در مترو را بررسی می‌کند

تعبیه دوربین‌های مدار بسته و اطلاع‌رسانی در مورد این که دوربین در این نقطه وجود دارد باعث شده تا میزان وقوع جرم در این نقاط کاهش پیدا کند

او در خلال صحبت‌های خود، پرده از شگردها و جرم‌های مختلف که توسط مجرمان مترویی انجام می‌شود، برداشت و گفت: «اکثر جرائم و حوادثی که در شهر رخ داده یا قابلیت رخ دادن دارد، در مترو هم رخ می‌دهد و مأموران ما آماده مقابله با آن هستند. ضمن این که، افرادی در پوشش‌های مختلف که بسیاری از ما از آن ناآگاه هستیم، ایستگاه‌های مترو را برای مردم ناامن کرده و مرتکب جرم می‌شوند. حمل مواد مخدر، سرقت‌های خرد، نزاع و درگیری از جمله جرائمی است که در مترو و ایستگاه‌ها رخ می‌دهد. در این میان، جیب‌بری، یکی از جرائمی است که به گفته سرهنگ عطال‌لهی، نسبت به دیگر جرائم بیشتر در مترو و به خصوص ساعات شلوغ رخ می‌دهد.»

ش که فراهم باشد، آدم‌های مرصه اجتماعی و عمومی را با بد. اتوبوس باشد یا تاکسی، ها، هیچ فرقی نمی‌کند، اما مثل مترو را برای ارتکاب جرم، مترو یا پیتخت در نشست

تغییر شگرد با ورود کرونا

قبل از هر خریدی در مترو یا در فروشگاه و یا هر مکان دیگر باید نکات اولیه امنیتی را رعایت کنند.

شهروندان نباید کارت خود را در اختیار کسانی که به هویت آنها اطمینان ندارند قرار دهند.

همان‌طور که رئیس پلیس مترو هم در نشست خبری‌اش تأیید کرد؛ پنج باند که در پوشش دستفروش و با روش اسکیم در متروی تهران سرقت می‌کردند از سوی پلیس دستگیر شدند.

محل جرم برایشان فرقی نمی‌کند. یک دسته از این مجرمان، سارقان اسکیمری هستند که با کپی کارت بانکی طعمه‌هایشان از حساب آنها سرقت می‌کنند.

این دزدان در پوشش دستفروش در واگن‌ها پرسه می‌زنند و در یک لحظه حساب طعمه‌های خود را خالی می‌کنند. افزایش این شیوه باعث شد، چندی قبل مدیرعامل مترو در این باره هشدار دهد. نوبخت در توصیه‌ای به مردم گفت: مردم

بود. به همین دلیل به یه می‌کنیم پس از سرقت لیس مترو که در تمام و دارند، مراجعه کنند تا برای شان پرونده تشکیل

سعیت جهان با توجه به رو هم تغییر پیدا کرده و که با خلوتی مترو کارو اد شده است جای خود را اند که خلوتی یا شلوغی



اگر محمد مهدی یک بیمار نیازمند به عضو بود، آیا انتظار نداشتیم کسی این نیکی و بزرگواری را در حق ما بکند؟ حالا چشم امید چند بیمار هم به ما دوخته شده و جان شان در خطر است



اهدای اعضای محمد مهدی ۱۳ ساله، زندگی بخشد امانت خدا

تقدیر محمد مهدی این بود که بیشتر از ۱۳ سال زندگی نکند، بیشتر از ۱۳ سال روی خورشید و پدر و مادرش را نبیند و بازی نکند، اما بجز این ها، خداوند چیز دیگری هم در طالع او نوشته بود؛ این که در پایان ۱۳ سال عمر کوتاهش، بزرگترین افتخار زندگی اش را با نثار جان و اهدای اعضای بدنش به بیماران نیازمند به اهدای عضو رقم بزند و بعد از دنیا برود.



تازه چند روز از مرگ محمد مهدی کوچک می گذرد و پدر هنوز پیراهن سیاه به تن دارد. فضای کوچک خانه هم دستکمی از حال و هوای دل غمبار پدر ندارد. تحمل جای خالی محمد مهدی برای همه سخت است. هنوز هم باورشان نمی شود او را از دست داده اند. همه چیز خیلی ناگهانی اتفاق افتاد. آن قدر که همه فکر می کنند خواب دیده اند و خیلی زود از کابوس بیدار می شوند، اما نه کابوس است و نه توهم، محمد مهدی رفته است. روزی که پسرک شان دنیا آمد، پزشکان متوجه شدند مشکل دارد. او یک نوزاد سی پی (فلج مغزی) بود که هم مبتلا به صرع بود و دارو مصرف می کرد و هم آسم داشت.

پسرمان امانت خدا بود

حسین حسینی، پدر محمد مهدی می گوید: «تا قبل از این که حالش خیلی بد شود و فوت کند، یکی دو بار هم این طور شده بود، اما بعد از مراجعه به بیمارستان حالش خوب شده بود، ولی این بار با دفعات قبل خیلی فرق می کرد. محمد مهدی آن روز نفس کم آورده بود و نمی توانست درست نفس بکشد. با اورژانس تماس گرفتیم و آنها هم بعد از انجام اقدامات اولیه، او را به بیمارستان ولیعصر و سپس به بیمارستان موسوی زنجان منتقل کردند. یک هفته در بیمارستان بستری بود و در این مدت پزشکان شرایط او را زیر نظر داشتند. پزشکان

پزشکان از زنده ماندن پسرمان قطع امید کرده اند، آن قدر که حتی نیم درصد هم احتمال نمی دهند او دوباره به دنیا و زندگی مجدد برگردد. حتی برای این که به همسرم ثابت کنم اهدای عضو پسرمان مشکل شرعی و قانونی ندارد، شریعیات مربوط به اهدای عضو را هم گفتم که مراجع هم تایید کرده اند. به او گفتم اگر محمد مهدی یک بیمار نیازمند به عضو بود، آیا انتظار نداشتیم کسی این نیکی و بزرگواری را در حق ما بکند؟ حالا چشم امید چند بیمار هم به ما دوخته شده و جان شان در خطر است، آیا انصاف است اعضای بدن پسرمان را همین طور به خاک بسپاریم؟ با شنیدن این حرف ها، همسرم بالاخره قانع شد و بعد از امضای فرم، قرار شد اعضای بدن پسرمان را اهدا کنیم.»

بعد از انجام هماهنگی های لازم با بیمارستان سینا برای انجام عمل اهدای عضو، قرار شد آمبولانس حامل پیکر محمد مهدی او را از زنجان به تهران ببرد. پدر در ابتدا می خواست خود این اقدام را انجام دهد، اما مسوولان بیمارستان سینا که می دانستند خطر کرونا در کمین است به پدر و مادرش گفتند نیازی نیست خودشان با آمبولانس بیایند و خود بیمارستان پیکر محمد مهدی را به بیمارستان منتقل و پس از انجام عمل جراحی جداسازی اعضا، او را با همان آمبولانس دوباره به محل زندگی اش بازمی گردانند تا مراسم تشییع پیکر او انجام شود. همین اتفاق هم افتاد و بعد از انجام عمل او و اهدای کلیه ها و کبدش به بیماران نیازمند، دوباره به زادگاهش برگردانده و تحویل پدر و مادرش شد.

بی فرهنگی بعضی از افراد

پدر از تصمیم خود راضی است و خدا را شاکر است که پسرش وسیله ای شد تا چند بیمار از مرگ حتمی نجات پیدا کنند. او کمی سکوت می کند و ادامه می دهد: «پسرم بخاطر سی پی بودن، توانایی راه رفتن و صحبت کردن نداشت. من با همین شرایط هم عاشق فرزندم بودم. من یک کارگر ساده هستم و وقتی خسته از کار روزانه به خانه برمی گشتم، محمد مهدی با لبخند کودکانه دوست داشتنی که به صورتم می زد، خستگی را از جانم به در می کرد. وقتی او را برای هواخوری به بیرون می بردم، شاد می شد و لذت می برد، اما متأسفانه به دلیل فرهنگ پایین، برخی از افراد، نگاه خوبی به شرایط فرزندم نداشتند و نگاه ها و رفتارهای آزاردهنده ای نسبت به من و فرزندم داشتند که چرا او را در آغوش گرفته ام و چرا پسرم چنین وضعیتی دارد؟ نگاه های آزاردهنده آنها پر از سوال بود و ناراحت می کرد. در هر حال خدا را شکر می کنم که پسرم با همین شرایط هم توانست جان چند نفر را از مرگ نجات دهد.»

حدس های مختلفی در مورد وضعیت او داشتند که عفونت ریوی و فشار بالای مغز از دلایلی بود که می گفتند باعث بدحال شدن محمد مهدی شده است.»

بخاطر مشکل تنفسی، پزشکان احتمال دادند شاید او به ویروس کرونا مبتلا شده باشد، اما وقتی از او آزمایش های کرونا گرفتند، جواب تست او منفی بود. چند روز بعد در نهایت پزشکان مرگ مغزی محمد مهدی را به پدر و مادرش اعلام کردند و حالا آنها باید در مورد وضعیت او تصمیم می گرفتند: «با خودم اینطور فکر کردم که بدن محمد مهدی بعد از مدتی، زیر خاک از بین می رود. چه بهتر این که اعضای بدنش را ببخشیم تا چند بیمار نیازمند با گرفتن اعضای بدن پسرمان زنده بمانند.»

راضی کردن مادر خانواده هم از آن کارهای سختی بود که انجامش به این سادگی نبود. مادر بود و حق داشت راحت از جسم عزیزش دل نکند. «به مادرش گفتم



تولیدکننده: انواع لوله های نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشگاهی از سایز ۸ الی ۲۴ اینچ تحت استانداردهای بین المللی API 5L / IPS و انواع لوله در زمینه های صنعتی و ساختمانی از قطر ۱۰ الی ۶۱۰ میلیمتر بر اساس استانداردهای بین المللی DIN ۲۳۹۴ می باشد
 تولیدکننده انواع پروفیل و مقاطع صنعتی، ساختمانی، خودرو، تجهیزات کشاورزی و لوازم خانگی
 www.savehrolling.com - info@savehrolling.com





راز جنایت در دوربین مدار بسته

۶ ساعت ۶ صبح آخرین روز سال ۹۸ و تنها ساعاتی قبل از سال تحویل، گزارش کشف جسدی در یکی از خیابان های مشهد به بازپرس جنایی اعلام شد. جسد مرد میانسالی داخل پتو پیچیده شده بود. قبل از رسیدن بازپرس جنایی و تیم تحقیق در محل حادثه جمعیت زیادی جمع شده بود. با حضور تیم جنایی، آنها با جسد مردی ۵۰ ساله در حالی رو به رو شدند که با ضربات چاقو مجروح شده بود و کبودی دور گردنش نیز از خفگی خبر می داد.

در نخستین اقدام بازپرسی جنایی دستور بازبینی دوربین های مدار بسته اطراف محل حادثه را صادر کرد. با بازبینی دوربین ها، هویت عاملان جنایت خیلی زود برملا شد. دوربین ها تصویر دو مرد و یک زن جوان را ضبط کرده بودند. آنچه دوربین ها به بازپرس میزبانی و تیم جنایی نشان دادند این بود که دو مرد و یک زن، جسد مرد ناشناس را روی موتورسیکلتی قرار داده و پیاده در حال انتقال جسد به بیابان های اطراف بودند. به دستور بازپرس کاظم میزبانی، تصویر متهمان از دوربین مدار بسته گرفته شد و ماموران به تحقیق میدانی پرداختند. با نشان دادن تصویر متهمان، چند نفری از اهالی محل آنها

را شناسایی کردند و یکی از آنها به ماموران گفت: زن جوان، فرنگیس نام دارد تا آنجا که من می دانم همسر صیغه ای حجت است؛ همان مرد میانسالی که در عکس می بینید. پسر جوان هم پدرام؛ پسر صاحبخانه شان است. هر سه آنها اعتیاد به مواد مخدر دارند و گاهی خانه شان پاتوق شبانه می شود و در آنجا دور هم جمع می شوند.

در ادامه بررسی ها کارآگاهان جنایی مشهد باخبر شدند که مرد جوانی به یکی از کلانتری ها رفته و ناپدید شدن پدر افغانش را خبر داده است. او در تحقیقات گفته بود: پدرم ۵۰ سال دارد و دیشب برای انجام کاری با موتورسیکلتش از خانه خارج شد، اما دیگر برنگشت. مادرم نروژ زندگی می کند و ما مدت هاست که با پدرم در ایران زندگی می کنیم و حتی کارت اقامت هم داریم. سابقه نداشت که پدرم دیر به خانه بیاید، آن هم شب سال نو. برای همین نگرانش شدیم. ابتدا با دوستان و اقوامی که در ایران داریم تماس گرفتیم اما از او خبری به دست نیامد.

ماموران کلانتری هم که از کشف جسد در حوزه استحفاظی دیگری با خبر بودند احتمال دادند جنازه متعلق به این مرد به نام مراد



متهمان به تصور

این که مرد افغان وضع

مالی خوبی دارد او را به

قتل رساندند



کنیم. در نهایت فرنگیس گفت بیرون می رود تا شخصی را برای باز کردن لوله بیاورد. فرنگیس چند دقیقه بعد با مراد برگشت. گفت او را در حال عبور با موتورسیکلتش سر خیابان دیده و از او کمک خواسته است. وقتی مراد وارد خانه شد و سوسه شدیم که پول هایش را سرقت کنیم. با این که افغان بود اما از لباس هایش می شد فهمید که وضع مالی خوبی دارد. برای همین تصمیم گرفتیم پول هایش را سرقت کنیم اما او که از ماجرا باخبر شده بود شروع به داد و فریاد کرد. از آنجا که می ترسیدیم همسایه ها متوجه شوند با چاقو به جانش افتادیم و بعد با طناب مراد را خفه کردیم.

باشد. برای همین از مرد جوان خواستند تا به پزشکی قانونی برود و بدین ترتیب هویت جسد برملا شد. با اطلاعاتی که تیم تحقیق به دست آوردند آنها راهی خانه حجت شده و مرد میانسال و پسر صاحبخانه را بازداشت کردند. در تحقیقات اولیه دو مرد به جنایت اعتراف کرده و پدرام به ماموران گفت: فرنگیس همسر صیغه ای حجت است. البته مدتی است که صیغه شان تمام شده اما چون جایی برای زندگی ندارد در خانه حجت می ماند و من هم گاهی اوقات به دیدن آنها می آیم. آن شب لوله فاضلاب خانه گرفته بود و هر کاری کردیم موفق نشدیم لوله را باز

<p>برگ سبز و اسناد خودرو پراید صبا GTXi، مدل ۱۳۸۳، به رنگ سفید، به شماره انتظامی ۴۲ ی ۵۷۹ - ایران ۱۳، شماره موتور 00693602، شماره شاسی S1412283245085، به نام حکمت ربیعی مفقود و فاقد اعتبار می باشد.</p>	<p>برگ سبز پژو ۴۰۵ دوگانه سوز، مدل ۹۷، شماره موتور 124K1192925، شماره شاسی NAAM11VEJK028002، شماره انتظامی ۲۷۸ پ ۷۹ - ایران ۸۳، متعلق به آقای سعید مرادی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.</p>	<p>برگ سبز خودرو تیبا ۲، مدل ۱۳۹۷، به رنگ سفید، به شماره انتظامی ۱۱۳ پ ۴۲ - ایران ۲۰، شماره موتور M15/8635709، شماره شاسی NAF821100J1176524، به نام علی یعقوبی مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.</p>	<p>شماره تلفن های پلیس ۴۹۱۰۵۰۰۰ ۲۳۰۰۴۰۳۲ امور آتشی های روزنامه جام جم</p>
---	---	--	--

مزایده ۹۹/۲۹۸۳ / موتورسیکلت مرکز فروش کوثر

- مرکز فروش کوثر در نظر دارد، تعداد ۱۳۰ دستگاه انواع موتورسیکلت مستعمل** زیر را از طریق مزایده حضوری به فروش رساند.
- تنوع موتورسیکلت:**
- موتورسیکلت هوندا (۱۲۵ CG، ۱۲۵ CDI و ۱۲۵ تریل)،
 - موتورسیکلت آمیکو (۱۲۵ CDI، ۱۵۰ تریل و ۱۸۶ تریل) -
 - موتورسیکلت سوزوکی GT ۲۵۰ - موتورسیکلت ایردو کو RT ۲۰۰
 - تریل - موتورسیکلت تکتاز CDI ۱۲۵ - موتورسیکلت متفرقه
- الف) شرایط مزایده:**
- ۱- اهلیت قانونی خریدار (همراه داشتن اصل و کپی کارت ملی الزامی می باشد).
 - ۲- خریدار موظف است به محض برنده شدن ۱۰٪ قیمت خرید را به عنوان سپرده به صورت نقد یا از طریق کارت های بانکی عضو شبکه شتاب (به نام شخص خریدار) و یا چک پول پرداخت نماید.
 - ۳- بابت پرداخت سپرده بالاتر از مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال تهیه چک رمزار در وجه مرکز فروش کوثر به میزان ۱۰٪ قیمت خرید الزامی است.
- ب) زمان و مکان:**
- زمان بازدید مزایده: روزهای شنبه و یکشنبه ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ صبح از ساعت ۹ الی ۱۲ و عصر ۱۴ الی ۱۶
 - زمان برگزاری مزایده: روز دوشنبه ۱۳۹۹/۰۲/۲۹ ساعت ۹ صبح
 - آدرس محل بازدید و برگزاری مزایده: تهران، کیلومتر ۸ جاده مخصوص کرج، شهرک استقلال، جنب درمانگاه شهید صنیع خانی، مرکز فروش کوثر
 - تلفن تماس: ۰۹۹۰۷۸۹۳۶۶۸



ریزش مرگبار ساختمانی در خیابان مدنی تهران / منبع: ۱۲۵

هشدار هفته

روش جدید کلاهبرداری پیامکی در واتس آپ

ارسال پیام‌هایی حاوی لینک‌های ناشناس که افراد را به سایت‌های جعلی هدایت می‌کنند، یکی از روش‌هایی است که مجرمان سایبری برای سرقت اطلاعات یا دسترسی و کنترل حساب کاربری شهروندان از آن استفاده می‌کنند. سرهنگ شاهین حسنون، رئیس پلیس فتای خوزستان در گفت‌وگو با پایگاه اطلاع‌رسانی پلیس فتا اظهار کرد: بر اساس گزارش‌های رسیده و رصدهای صورت گرفته، به تازگی پیامی برای برخی کاربران واتس‌آپ ارسال شده که به افراد اخطار می‌دهد به دلیل نقض قانون کپی‌رایت در شبکه اجتماعی اینستاگرام تا چند روز آینده حساب کاربری آنها بسته می‌شود و در ادامه پیام نیز از کاربر خواسته شده به لینک موجود در پیام مراجعه کند. وی افزود: با کمی دقت و بررسی این پیام که از شماره مجازی ارسال شده، کلاهبرداری بودن آن مشخص می‌شود. نکته‌ای که باید دقت کرد این است که این پیام کلاهبرداری در مورد شبکه اجتماعی اینستاگرام است ولی در پیام‌رسان واتس‌آپ ارسال می‌شود، در صورتی که اگر فردی در شبکه‌های اجتماعی یکی از

قوانین آن را نقض کند، در همان برنامه به وی اخطار داده می‌شود. سرهنگ حسنون بیان کرد: شهروندان دقت کنند به هیچ‌عنوان به پیام‌های دریافتی از شماره‌های ناشناس اعتماد نکرده و به لینک‌هایی که در اینگونه پیام‌ها ارائه می‌شود نیز مراجعه نکنند. چون بسیاری از شیوه‌های کلاهبرداری با سوءاستفاده از غفلت، سهل‌انگاری و عدم رعایت اصول امنیتی شهروندان طراحی می‌شوند؛ بنابراین اگر کاربران نکات امنیتی را رعایت کنند، هیچ‌گاه در دام مجرمان سایبری گرفتار نمی‌شوند. در این روش کلاهبرداری، لینکی به همراه پیام برای کاربران ارسال و از افراد خواسته می‌شود روی آن کلیک کنند. شهروندان در صورتی که روی لینک مذکور کلیک کنند، به سایت‌های جعلی طراحی شده توسط مجرمان سایبری هدایت می‌شوند و اگر اطلاعات خواسته شده را تکمیل کنند، اطلاعات خود را در اختیار کلاهبرداران قرار داده‌اند. این موارد مجرمانه بیشتر در پیام‌رسان‌های خارجی دیده می‌شود و خوشبختانه در نسخه‌های داخلی به ندرت شاهد اینگونه موارد هستیم.

بازگشت

مادرم قربانی اعتیاد شد

هر هفته در این ستون سرگذشت یکی از معتادانی را که با اراده قوی خود توانسته است غول اعتیاد را شکست دهد مرور می‌کنیم. این هفته سراغ مردی رفتیم که بعد از ۱۹ سال از بند اعتیاد رها شد.

خیلی از ماها به خاطر همنشینی با دوست و رفیق ناباب گرفتار اعتیاد شدیم. من هم در اوج جوانی از طریق دوستانم با موادمخدر آشنا شدم. مصرفم اوایل تفریحی بود و هیچ وقت فکر نمی‌کردم معتاد شوم، اما بعد از مدتی فهمیدم بدون مواد امکان ندارد بتوانم به زندگی ام ادامه دهم. وسوسه مصرف مواد یک لحظه از ذهنم دور نمی‌شد. مواد می‌کشیدم که زندگی کنم و زندگی می‌کردم که مواد بکشم.

چند ماه اول مصرفم، دوران طلایی نشئگی ام بود. در واقع موادمخدر به من قدرتی می‌داد که بتوانم خوب حرف بزنم. کسب و کارم خوب و اعتماد به نفسم چند برابر شده بود. با موادمخدر طوری انس گرفتم که انگار گمشده‌ام را پس از سال‌ها پیدا کرده بودم. آرامش عجیبی داشتم و حاضر نبودم آن را با چیز دیگری عوض کنم. با گذشت سال‌ها، اما مواد تمام چیزهایی را که به من داده بود، به بهای گزافی از من پس گرفت. اعتبارم را میان دوستان، هم محله‌ای و فامیل و خانواده‌ام از دست دادم. بدتر از همه این‌که بیکار شدم و دیگر پولی برای تامین مواد نداشتم. تصمیم گرفتم ترک کنم، اما مواد شوخی‌بردار نیست و هر راهی را که امتحان می‌کردم، به بن بست می‌خورد. دوباره برگشتم به

مصرف مواد و دست به سرقت زدم تا بتوانم مواد بخرم. وقتی بچه بودم، پدرم در اثر برق‌گرفتگی و سقوط از ساختمان فوت کرده و مادرم ما را با چنگ و دندان بزرگ کرد. مادرم که شاهد وضعیتم بود، به هر دری زد تا درمانم کند. یک روز سراغ عطاری‌ها و دکترهای سنتی می‌رفت و فردا هم برایم از دکانویس دعا می‌گرفت تا از شر مواد مخدر نجاتم دهد.

در حالی که مادر نازنینم تلاش می‌کرد تا راه درمانی برایم پیدا کند، من گردنکشی می‌کردم و لوازم خانه را می‌فروختم تا مواد بخرم. به جای این‌که در آن سن، عصای دستش باشم و بال گردنش شده بودم، تا این‌که یکبار به جرم حمل مواد مخدر دستگیر و به تحمل سه سال زندان محکوم شدم. از زندان که بیرون آمدم، مادرم دیگر آن زن همیشگی نبود و هوش و حواسش را از دست داده بود و من باعث تمام درد و رنج او بودم. دو ماه بعد از آزادی‌ام هم فوت کرد.

بعد از فوت او، همه سرزنش می‌کردند و مرا مقصر مرگ مادر زحمتکشم می‌دانستند که حق هم داشتند. ۱۹ سال بعد از اعتیادم یک روز خیلی اتفاقی با یک انجمن ترک اعتیاد آشنا شدم. آن‌جا برخلاف برخورد مردم، خبری از توهین و حقارت نبود و محبتی که می‌کردند، بدون چشمداشت بود. جلسات انجمن کم‌کم مرا جذب کرد و باعث شد خماری و درد حاصل از ترک مواد را بتوانم تحمل کنم. بعد از آن راهنما گرفتم و با کمک او، قدم‌های دوازده‌گانه برنامه را اجرا کردم. بعد از ترک، خدا را شکر، الان شغل خوبی دارم و ازدواج کرده‌ام و حاصل این ازدواج یک دختر ۱۲ ساله است.



پرسش و پاسخ قضایی

با توجه به پرسش‌های ارسالی خوانندگان تپش در خصوص موضوعات حقوقی از جمله حضانت، معرفی شفاهی برای



معامله و حقوق مدیر ساختمان مریم جنت‌آبادی، کارشناس ارشد حقوق خصوصی به سوالات شما پاسخ داده است. مخاطبان می‌توانند پرسش‌های حقوقی خود را با ارسال پیامک به شماره ۳۰۰۰۱۱۲۲۴ مطرح کنند و پاسخ را در همین صفحه بخوانند.

حضانت

فرزند تا چند سالگی تحت حضانت پدر است و

اگر پدر فوت کند، حضانت او با چه کسی است؟

فرزند دختر تا ۹ سال قمری و فرزند پسر تا ۱۵ سال قمری تحت حضانت والدین خود هستند. فرزند دختر پس از اتمام ۹ سالگی و فرزند پسر پس از اتمام ۱۵ سالگی در تعیین محل زندگی خود (نزد پدر یا مادر) مختار می‌باشند. در صورت فوت پدر، حضانت طفل با مادر زنده است هر چند این طفل جد پدری یا قیم داشته باشد مگر در صورت عدم صلاحیت مادر.

معرفی برای معامله

اگر فردی را به طور شفاهی برای معامله‌ای

معرفی کنیم برای من ضمان ایجاد می‌شود؟

صرف معرفی یک نفر برای انجام معامله نمی‌تواند ضمان آور باشد؛ مگر شخص معرف، خود ضامن شده باشد؛ یعنی معرف یکی از طرفین معامله یا حتی خود معامله و صحت آن را ضمانت کند.

حقوق مدیر ساختمان

آیا باید به مدیر ساختمان حقوق پرداخت شود؟

اگر مدیر ساختمان خارج از ساکنان باشد باید طبق قرارداد حق الزحمه دریافت کند و این قرارداد طبق قوانین کار کشور می‌باشد که در آن هیات مدیره ساختمان در نقش کارفرما و مدیر در نقش کارگر و شامل حداقل حقوق پایه وزارت کار + بیمه، مزایا و... می‌باشد. اگر مدیر ساختمان از داخل ساکنان باشد و قرارداد کار مانند یک شخص خارج از ساختمان که در فوق اشاره شد داشته باشد دارای حقوق و مزایا طبق قرارداد منعقد و تابع قوانین کار جاری کشور است. اگر مدیر ساختمان مستقیم از طرف ساکنان انتخاب شود و هیچ گونه قراردادی منوط به حق الزحمه بین ایشان تنظیم نشود و فقط صورتجلسه انتخاب مدیر تهیه شود مدیر ساختمان قانوناً مجاز به برداشت هیچ گونه مبلغی تحت هیچ عنوانی نبوده و نیست. ولی بین ساکنان ساختمان عرف شده است که مدیر ساختمان در ساختمان‌های کم‌واحد فقط می‌تواند حق شارژ ثابت پرداخت نکند. اگر در صورتجلسه ساختمان حق الزحمه عنوان شده و پایین‌تر از حداقل وزارت کار باشد و در صورتجلسه ساختمان اشاره شده باشد این اشاره مبنی بر قرارداد کار نبوده و از قوانین کار پیروی نمی‌کند لذا مدیر عنوان مسوول ساختمان را دارد و کماکان در مقابل خطرات و حوادث در ساختمان مسوول می‌باشد.